

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال نهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۴

بررسی محتوایی و سبکی نسخه خطی دیوان اشعار شرعی شیرازی
(ص ۶۸-۵۳)

علی محمد پشت‌دار^۱ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۴

چکیده

یکی از شاعران پارسیگوی سبک هندی که تاکنون ناشناخته مانده است شرعی شیرازی است. (۱۰۲۰- ۱۰۹۰ ه.ق). تنها نسخه خطی دیوان اشعار این شاعر غزل پرداز، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود و تا کنون تصحیح انتقادی نشده است. محتوای این دیوان شامل ۹۵۶ غزل و ۲۵۸ رباعی و دو مثنوی نسبتاً کوتاه است. بیشتر عمر شاعر شیرازی در سرزمین هند سپری شده، وی در اواخر عمر یاد وطن کرد و به شیراز بازگشت.

هدف اصلی این پژوهش به شیوه تحلیل محتوا آن است تا ضمن تأمل در ویژگیهای اثر، شگردهای بیانی و ادبی اثر، بررسی گردد و در پایان به این سؤال اصلی پژوهش: «سبک ادبی و شیوه های خاص شرعی شیرازی در چه مواردی خلاصه میشود؟» پاسخ داده شود. نتایج نهایی مترتب بر این تحقیق شناسایی نسخه خطی منحصر به فرد دیوان شرعی شیرازی و آکاوی شیوه های بیان و خصوصیات سبکی و ادبی و زبانی این شاعر ارزشمند در سبک هندی است که تا کنون در تاریخ زبان و ادبیات فارسی عصر صفویه مغفول مانده است.

کلمات کلیدی: بررسی محتوایی، نسخه خطی، دیوان اشعار شرعی شیرازی، سبک هندی

مقدمه

شرعی شیرازی (۱۰۲۰ ه. ق - ۱۰۹۰ ه. ق) از جمله شاعران قدرتمند عصر صفویه است که به دلایلی چند نام و دیوان اشعارش در تاریخ ادبیات فارسی فوت شده است. شرعی در سبک غزل چیره دست و در مثنوی سرایی به سبک نظامی خودنمایی کرده است؛ در مقدمه ای که بر دیوان او نوشته شده، این گونه وصف شده است: «بلغ البلغا و افصح الفصحا بلبل گلشن معنی طرازی، ملا شرعی شیرازی... سعدی از سعادت هم شهری بودنش بلبل گلستان مسرت، و عرفی از میکده قرابتش باده نوش قرابه عشرت، دُرد ساغر خیالش آب روی طبع زلالی، و صید ضعیف فکرش جلوه آموز غزل غزالی...» (مقدمه دیوان شرعی شیرازی، نسخه مجلس، برگ ۱)

ضرورت تحقیق:

از آنجا که نسخه منحصر به فرد دیوان اشعار شرعی شیرازی تا کنون تصحیح انتقادی نشده، معرفی آن یکی از حلقه های مفقوده تاریخ ادبیات زبان فارسی را در عهد صفویه شناسایی میکند؛ به طریق اولی بررسی سبکی و محتوایی این مجموعه از غزلیات سبک صفویه یا هندی خود گامی بلند در راه نقد و تحلیل شعر این دوره است. بنا به دلایل فوق ضرورت معرفی این نسخه و ویژگیهای سبکی و محتوایی آن احساس شد.

پیشینه تحقیق

از دیوان شرعی شیرازی بیش از یک نسخه موجود نیست که به شماره شناسایی «۷۰۰۹» در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. این نسخه تا کنون نه معرفی شده و نه تصحیح انتقادی. این نسخه به خط نستعلیق خوش و خواناست و در برخی از صفحات، آثار تصحیح و قلم خوردگی دیده میشود، این نکته نشان از آن است که کسی آن را اصلاح کرده است. تمام صفحات با رنگ لاجورد و زرین جدول بندی شده است. عناوین اشعار و قالبها به رنگ شنگرف است. هر صفحه ۱۵ سطری، صفحه اول و صفحه آغاز غزلیات در نسخه تزیین و سرلوحی زیبا دارد. نسخه ۴۳۷ صفحه است، اما با توجه به چند مورد افتادگی معلوم میشود که میزان صفحات بیشتر از این مقدار بوده است.

آغاز: ای قادری که جز تو کسی نیست رهنما بنما مرا رهی به سوی کُشور ثنا
انجام: هر که نشد پیرو این خاندان بر سر [افتادگی] تمت الکتاب بعون [افتادگی] ...
صفحه پایانی ناقص و با افتادگی پایان میپذیرد.
تاریخ کتابت نسخه به علت پارگی و پاک شدگی قابل تشخیص نیست، اما میتوان حدس زد که با وفات شرعی فاصله زیادی ندارد. مؤلف مقدمه در پایان آورده است:

پرید طایر روحش به جانب جنت سفر نمود به عقبی خدا کند رحمت

دیوان شرعی شیرازی مشتمل است بر ۹۵۶ غزل و ۲۵۸ رباعی و دو مثنوی با عنوان «عجاز الخیال» منظومه ای است به نام «دل و جان» که روایتی است از دلدادگی شاهزاده «دل» با شاهزاده «جان» دختر پادشاه چین که پسر عمومی اوست، ساختار این مثنوی همانند مثنویهای غنایی و عاشقانه نظامی به ویژه خسرو و شیرین است که در اصل تقلیدی از همین منظومه است. این منظومه به اختصار شامل بخشهای زیر است: حمد و ستایش باری - تعالی - ، فی توحید - عز اسمه - فی المناجات، فی نعت رسالت پناه(ص)، فی مدح علی بن ابی طالب (ع)، فی مدح حضرت ائمه معصومین، فی المواعظه، سبب نظم کتاب، در بیان وحی و الهام و تفریق بیان آن، فی مدح پادشاه اسلام، فی مدح آصف دوران وزیر عالی شأن، آغاز داستان...

مجموعه ابیات این مجموعه ۴۳۰ بیت است که با «فخریه و ختم کتاب» اختتام میپذیرد.

شرعی دل خسته در این فن سر است فطرت او در بر این تن سر است
 قامت من حلقه درین نظم شد خون ز دل اندر سر این بزم شد
 شرعی ازین بحر برآورد گرد رستم ازین وادی پر درد کرد
 (برگ: ۱۶ نسخه خطی)

مثنوی دوم با عنوان «مفتاح الفوائد» با نعت - باری تعالی - آغاز میشود. بعد در مناجات نعت سید کاینات، در صفت عشق، حکایت جوانی که به دختر عمّ خود عاشق بود. ساختار این منظومه مجموعه ای از حکایات کوتاهی است که بیشتر جنبه پندپذیری و عبرت آموزی دارد. مجموع ابیات این مثنوی ۳۲۰ بیت است.

انواع شعر در دیوان شرعی

دیوان اشعار شرعی شیرازی به اقتضای سبک دوره، تقریباً همه غزل است که با تعداد ۹۵۶، بسامدی معتنا به است، انواع دیگر شعر با تعداد ۲۵۸ رباعی، چند قصیده، مخمس، مستزاد، ترجیع بند، مسدس، ترکیب بند، مثلث ترکیب، مقطعات، ماده تاریخ.

قصاید شرعی با محتوای مدح و منقبت دوازده امام شیعیان (ع)، همچین شاه چراغ و چند تن از شاهان صفوی که عبارتند از: شاه عباس اول، شاه صفی، شاه عباس ثانی، شاه سلیمان. چند شخصیت و حاکم محلی را نیز در قالب قصیده ستوده است. سه قصیده هم با نامهای مستقل دارد: تنبیه الغافلین، فخریه، قصیده در اشکال قمر.

مخمس: شرعی در مخمسات گاه اشعار مستقلی سروده است و گاه از سایر شاعران تضمین غزل کرده است، شرعی از دو شاعر بزرگ قبل از خود **عرفی شیرازی** و **حافظ شیرازی** بیشترین تضمینها را آورده.

اشاره شد دیوان شرعی شیرازی همانند دیگر شاعران هم عصر او بیشتر غزل است که گاه غزلهایی تا ۲۱ بیت دارد. بیشتر غزلهای شرعی ردیف دارد و بعضاً ردیفهای طولانی مثل: زیر

پوست، نعمت الله ولیست، نازک است، شدن عین مطلبست،... سبحان الله، تشنه لبی، گفتم به چشم،
بتوانم نتوانم.

انواع غزل به لحاظ فکری:

از آنجا که شرعی در غزلسرایى بشدت پیرو حافظ است لذا در انواع غزل نیز همانند او انواع غزل عاشقانه، عارفانه، عاشقانه عارفانه و قلندرانه را در دیوان خود بکار گرفته است.

الف. عاشقانه: (در خطاب به معشوق سروده است)، غزل ۲۳۴

شب نیست که آه و ناله ما از برات نیست
مغرور حسن خویشی و پروای مات نیست
هر کس که در قلمرو عشقت نشد اسیر
پیش مقیدان تو ز اهل نجات نیست...
شرعی مجو دوام ز طاقت، به مُلک عشق
کانجا بنای صبرِ کسی را ثبات نیست

ب. عارفانه: (در خطاب به معشوق ازلی سروده است)، غزل ۱۷۶

در کوی او شهید شدن عین مطلب است
وز عشق رو سفید شدن عین مطلب است
دل از خدای میطلب مطلب چنین
درد و بلا مزید شدن عین مطلب است
در زمره ملامتیمان دیار عشق
قابل نرو، رشید شدن عین مطلب است...
شرعی به راه شرع محبت به صدق کوش
معروف و بایزید شدن عین مطلب است

ج. عاشقانه عارفانه: غزل ۲۵۲

در دهر کو کسی که ز عشقت خراب نیست
با از شکنج زلف تو در پیچ و تاب نیست
حاشا که از جفای تو ترک وفا کنیم
درکیش بیدلان تو این شیوه باب نیست...
منصوروارمست ز جام انالاحقیم
زاهد برو که مستی ما از شراب نیست...

د. قلندرانه: غزل ۲۳۷:

عمریست که در کوی ملامت وطن ماست
پیراهن بدنامی مازیب تن ماست...
گر سُبچه بشد از کف و زَنار گزیدیم
ما را چه گنه مَغ بچه ای راهزن ماست
ما عاشق و سودا زده و رند و خرابیم
امروز نه دیریست که این شیوه فن ماست

زندگی و احوال شرعی شیرازی (۱۰۲۰ ه. ق - ۱۰۹۰ ه. ق)

در عصر پرافت و خیز صفویه شاعران بسیاری پا به عرصه وجود نهادند که نام و اشعارشان در تذکره ها و رسایل ثبت و ضبط شده است. وجود تذکره های متعدد در ایران و هند نشانی کوچک از این حادثه بزرگ دارد. شیوع زبان فارسی در عصر صفوی در مرکز ایران و بخش وسیعی از شبه قاره هند موجب گسترش کمی و البته کیفی زبان و ادب فارسی شد و در این رهگذر شاعران متعددی متولد شدند که دیوان اشعار ایشان امروز ذخیره گرانیهایی در حفظ این زبان و پشتوانه ای استوار برای استمرار آن به شمار می‌رود. از این میان برخی شاعران و گویندگان هستند که نام و نشانشان در تذکره ها نیامده است، از جمله این گویندگان شرعی شیرازی است.

نام و تخلص خانواده او

از احوال این شاعر هیچ نام و نشانی در کتب و تذکره های موجود نیامده است؛ و بهترین منبع برای شناسایی این شاعر همانا تک نسخه دیوان اشعار اوست که صحیح و سالم و کامل در اختیار ماست. تخلص او در غزلیات همه جا «شرعی» است، ولی هیچ نشانی از نام اصلی او به دست نیامده است؛ در صفحه ۴۲۴ پ، نسخه به خطی دیگر در بالای عنوان مثنوی «مفتاح الفوائد» آمده است: «این کتاب شرعی میرزا عیسی چهارصد لیره به تاریخ غره شهر ذیحجه ۱۳۵۷».

شاید یکی از علل فوت نام و نشان شرعی در تذکره های ایرانی، اقامت چهل ساله او در هند است. به هرحال تخلص «شرعی» برای او قطعی است:

هر کجا یار کند از تو طلب جان شرعی کن نثار قدم او، مکن امساک آنجا
(غزل ۴ ب ۹)

یکی از بستگان شاخص شرعی که در یکی دو جا از دیوان به نام او اشاره کرده است، عرفی شیرازی شاعر مشهور سبک هندی در قرن دهم است، در یکی از قصاید میگوید:

فخر عرفی کند به خویشی من که فلان ز دودمان منست
ملک نظمم زتم نوبت وارثم من، زمان زمان منست
(برگ ۵۰-۵۱ نسخه خطی)

«عرفی شیرازی به اعتبار شغل پدر که وزیر داروغه شیراز بوده و مسئولیت امور شرعی و عرفی را بر عهده داشته، تخلص «عرفی» را برگزیده است» (دیوان اشعار، عرفی: ۱۱۲) میتوان نتیجه گرفت که شرعی هم به واسطه قرابت خانوادگی بسیار نزدیک با عرفی، عنوان شرعی را برای خود پسندیده است؛ چه خود در غزلی گفته است:

شرعی نکنند راه غلط پیرو شرعست اعلم بود، انواع غلط کار عوامست
(غزل ۱۵۳ ب ۶)

زادگاه شرعی

شهر شاعرپرور شیراز زادگاه شاعر است و خود او بارها به این موضوع تصریح دارد:

کی حبّ وطن حک شود از لوح ضمیر هرگز نرود ز یاد شرعی شیراز
(قصاید، ص: ۳۹۸)
به وطن چون نکند شرعی شیرازی فخر که همه خلق جهان معتقد شیرازند
(غزل ۳۲۴ ب ۷)

دوران زندگی شرعی

شرعی بعد از کسب معلومات به درجه ای میرسد که خود را یوسف مصر دانش میدانند همچون یوسف (ع) محسود برادران و اقربا واقع میشود و به همین دلیل عازم سفر به هند میگردد:

یوسف مصر دانشم شرعی دشمن من برادرن منست
(قصاید، برگ ۵۲ نسخه خطی)

ازدواج و فرزند

شرعی در ابیات متعدد از دیوان یار و نگار و نازنینان و مه رویان هندی سخن به میان آورده. ولی خبری از ازدواج و تشکیل تأهل او نیست، و تا آخر عمر مجرد زیسته است، در مثنوی مفتاح الفواید گفته است:

شکر که شرعی به جهان زن نخواستاز غم این طایفه تن را نکاست
 بود در اقلیم جهان پارسا خود نشد او پیرو نفس و هوا
 (برگ ۴۳۳ نسخه خطی)

از نداشتن فرزند نیز غم ندارد، چه معتقد است اشعار او بهترین فرزندان خلق هستند:
 شرعی چه شد ار تو در جهان لا ولدی اشعار نکوترست فرزند خلف
 (برگ ۴۰۱ نسخه خطی)

سفر به هند

شرعی در وضع آشفته ای مجبور به سفر به هند میشود و این سفر چهل سال به طول مینجامد:
 تا به کی باشم من سرگشته در عهد شباب همچون زلف گل رخان آشفته و در پیچ و تاب...
 عاقبت بخت سیه آوردم از ایران به هند آرزوی رجعتی دارم مگر بینم به خواب
 (غزل ۷۷ ابیات ۵،۱)

اوضاع شرعی در هند به سامان میشود و احوال خوشی پیدا میکند، به طوری که هند کعبه آمال شاعر جوان میگردد و لب به ستایش هند و آب و هوای آن می‌گشاید و موطن خود را فراموش میکند:

نازم به ملک هند و آب و هوای او مهر وطن برون برد از دل غریب را
 (غزل ۴۸ ب ۳)

هوای کوی بتان گشت سازگار چنان که بازآب و هوای وطن نساخت مرا
 (غزل ۶۲ ب ۴)

گر بهشتی هست در دنیا بجز کشمیر نیست یاد ایامی که شرعی خانه در کشمیر داشت
 (غزل ۱۴۴ ب ۱۵)

سرانجام شاعر شیرازی از هند و نعمتهای آنجا دلزده میشود و گله مند زبان می‌گشاید:
 من که دور از وطنم عیش چه دانم چه بود همنشین میدهم مژده که فردا عید است
 (غزل ۱۵۲ ب ۴)

چهل سال اقامت در هند

اشاره به اقامت چهل ساله در هند:

چل سال به ملک هند گشتم اکنون بختم چون ره نما باشد
 (برگ ۱۰۱ نسخه خطی)

پس از بازگشت سروده است:

یاد باد آن که چهل سال به غربت شرعی
جانب من نظر تربیت شاهی بود
(غزل ۳۲۸ ب ۷)

وفات شرعی

از آنجا که احوال شرعی در هیچ کتاب و تذکره ای یاد نشده است، از زمان تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست، اما از مطالعه دیوان او سر نخهایی به شکل ماده تاریخ یافت شده که در زیر می آید:

در دیوان در شعری در قالب قطعه به ماده تاریخی اشاره دارد که سال «۱۰۹۰ ه.ق» از آن به دست می آید:

شکر ایزد که درین سال شگفت
گلشی از گلشن اولاد رسول...
دو الف کورد و ز مصرع ساقط
گفت آمد خلفی آل رسول
(برگ ۱۱۱ نسخه خطی)

آمد = ۴۵، خلفی = ۷۲۰، آل = ۳۱، رسول = ۲۹۶ که در مجموع میشود: ۱۰۹۲، و اگر دو الف را ساقط کنیم عدد ۱۰۹۰ به دست می آید.

سبک سخن و ویژگیهای شعر شرعی

دوران زندگی شاعر مصادف با عصر صفویه است و سبک غالب دوره به سبک هندی یا سبک اصفهان و سبک صفویه شهرت دارد، اهل نظر ظهور دولت صفویه را از دلایل ظهور این سبک میدانند.

«انقلاب اجتماعی دیگری که باعث تغییر سبک شد، حکومت صفوی است... سبک هندی از اوایل قرن یازدهم تا اواسط قرن دوازدهم به مدت ۱۵۰ سال در ادبیات فارسی رواج داشت» (سبک شناسی شعر، شمیسا: ۲۸۴)

با ظهور حاکمیت صفویه دربار شاهان به سبک ادوار گذشته دستخوش تغییرات اساسی شد، طبقه شاعران به ریاست ملک الشعرا در ایران برچیده شد، لذا دوران اقبال قصاید مدحی به پایان رسید و شاعران مدح پرداز راهی دربارهای سلاطین هند شدند، چه در آنجا هنوز دربارهایی به سبک سلسله های پیشین ایرانی وجود داشت که به سلک شاعران و قدرت تبلیغ و مدایح ایشان بها میدادند، همین تحولات خود از عوامل تغییر سبک در شعر شاعران پارسی گو گردید.

سبک سخن شرعی

الف - سطح زبانی

مفاخره شرعی به تازه گویی:

شرعی نفروشی تو به ارزان سخنم را
زین روی که هر چیز بود تازه، گران است
(غزل ۲۴۳ ب ۷)

ادعا به نازک خیالی و نازک پردازی در سخن شرعی نیز آمده است:

شرعی هزار شکر که به کشور سخن از رتبه طبیعتم اشعار نازک است
(غزل ۱۷۲ ب ۷)

۱. آوایی: به لحاظ موسیقی و آهنگ، شرعی همانند دیگر شاعران هم دوره خود بیشتر در قالب غزل شعر سروده است، آن هم با ردیفهای بلند همانند: آهسته، آهسته، کشمیر است، افسوس، افسوس، لا إله إلا الله، چنان که نتوان گفت و ...

شرعی در استقبال و تضمین از اوزان غزلیات شاعران قبل از خود کوشاست، مانند تضمین غزل عرفی شیرازی، وحشی بافقی، اهلی شیرازی، حافظ شیرازی، و قدسی مشهدی؛ از این میان سهم عرفی و حافظ از همه بیشتر است.

این جواب آن غزل شرعی که صائب گفته است حُسن چون آرد به چنگِ دل سپاه خویش را
(غزل ۳۵ ب ۷)

این جواب آن غزل شرعی که قدسی گفته است داد عشقم باده نابی که میشود مرا
(غزل ۳۷ بیت ۸)

شرعی در انواع دیگر شعر طبع آزمایی کرده و در قالب قصیده، مخمس، مستزاد، ترجیع بند، مسدس، مثلث ترکیب، رباعی و مثنوی به لحاظ موسیقایی اوزان متنوعی به کار گرفته است.

- بهره گیری از اشعار عامیانه با لهجه شیرازی به طرز زیبایی در سخن شرعی نمایان است، مانند این قطعه با دو حرف ملحق به قافیه:

گل + ک + ی / کاکل + ک + ی / کاف تصغیر در معنای تحبیب:

داد از لطف خدا ترخان را طفلکی عارضکش نو گلکی
موی نورشته آتش عنبر فام دارد از سنبل تر کاکلکی...
خردم گفت اگر میخواهی سال تاریخ چنین شنگلکی
همچو گل خنده زنان باید گفت تر گلک برگ گلک نوگلکی
(برگ ۱۰۸ نسخه خطی)

همچنین غزل ۹۴۵ کلمه قافیه با ترکیب کاف تصغیر در معنای تحبیب در حد افراط:

دلبسته ام به قامت نازک نهالکی شیرینکی، شکر لبکی، خردسالکی...
ای چرخک کبود به چندین هزار چشم کم دیده طفلکی چو تو صاحب کمالکی
ای دلبرک ترحمکی کن گه گشته است از هجرک تو جسمک من خلالکی

شاعر با حرف کاف تصغیر در معنای تحیب در غزلی ۱۲ بیتی که حدوداً ۱۲۰ کلمه است ۴۱ بار این حرف را بکار برده و این التزام با ظرافت وبدون تکرار ترکیب خاصّ شاعران سبک هندی است.

از دیگر غزل‌های جالب که به شعر واسوختی شباهت دارد و گاهی خواننده گمان میبرد که شعر از آن ایرج میرزاست . غزلی عاشقانه با ردیف «ماچ»:

اول به التماس بکن دست یار ماچ آخر طلب کن از لب آن گل‌نزار ماچ
ای دل ز دلبری که امید کنار نیست آخر بگو چه ارزد و آید چه کار ماچ...
شرعی بر آن سرم که وصالش چو رو دهد بر دست و پای یار کنم صد هزار ماچ
غزل ۵۶۴ با ردیف « غز غز » نوع دستوری اسم صوت :

مرا چه سر زند از لب فغان کند غز غز ز تاب درد، دل ناتوان کند غز غز...
نجوشد از ز مسمومات تو غمی شرعی چگونه مغز تو در استخوان کند غز غز

۲. **سطح دستوری:** جا به جایی ارکان جمله (= نادرست‌مندی) از جمله علاقه‌های شدید

شرعی شیرازی در ساختار نحوی اشعار است. برای مثال:

زبان به شکوه غم داری از ادب مگشا مجوی عشرت و در دل در طرب مگشا
(غزل ۱۹ ب ۱)

شکل دستورمند جمله: از ادب داری زبان به شکوه غم مگشا.

- خوانش متعدد یک عبارت و جمله:

فکرِ گیسوی تو سرمایه‌ سودای منست زلف، زنجیرِ جنونِ دلِ شیدای منست
(غزل ۱۳۱ ب ۱)

مصرع دوم این بیت را سه گونه میتوان خواند:

۱. زلفِ زنجیر، جنونِ دلِ شیدای منست.
۲. زلف، زنجیرِ جنونِ دلِ شیدای منست.
۳. زلفِ زنجیرِ جنون، دلِ شیدای منست.

۳. **سطح لغوی،** دیوان شرعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است، برخی از کاربردهای او از کلمات

میتواند به عنوان شاهد شعری استفاده شود، مانند:

شلتاق، که در لغت نامه دهخدا به معنای «منازعه با کسی در باب دلایل دروغ» آمده است.

از بس که تُرکِ چشم تو **شلتاق** میکند ملک دلم خراب شد از بی حسابها
(غزل ۳۹ ب ۳)

شاخچه، در لغت نامه دهخدا به معنای، شاخک، شاخ کوچک و شعبه «آمده، و شاخچه بند یعنی تهمت بندی:

باز بشگفت گل از شاخچه ها باغ سرسبز شد و باغچه ها...
شرعیا شاخچه بندی ز حسد بسته بر تو گل ما شاخچه ها
(غزل ۵۲ ب ۱،۵)

- ساخت ترکیبهای بدیع و مضمون سازی:

- تلفظ خاص برخی واژه ها:

چَش ← چشم/ بجوش ← بجویش/ آشانه ← آشیانه

- ترکیبهای جدید:

« صنم خانه » به معنای بتخانه

رهِت به سوی صنم خانه کی دهد راهب ترا که نشئه پرتکالی نیست
(غزل ۱۵۸ ب ۴)

« بحر خور » ترکیب تشبیهی :

گر سر فکنده پیش، چو نرگس عجب مدار شرعی غریق بحر خور انفعال اوست
(غزل ۱۷۷ ب ۵)

« شاهراه کشور تجرید » :

هست انواع موانع عالم اسباب را شاهراه کشور تجرید خاری هم نداشت
(غزل ۲۳۸ ب ۲)

« گشاد دادن » در لغت نامه دهخدا به معنای « راندن تیر از کمان » آمده ولی شاهد شعری ندارد.

این بیت شرعی میتواند شاهد بسیار خوبی برای این ترکیب باشد:

نهاد غمزه او در کمان خدنگی لیک گشاد میدهدش دیر در چه انداز است
(غزل ۱۴۵ ب ۴)

در بیت فوق مصراع دوم هم تعقید لفظی دارد هم معنوی با ویژگی سبک هندی یعنی حذف بی قزینه حرف ربط یا حرف شرط.

استفاده ظریف با واژه جدید « پرتقال » یا « پرتکال » نام کشور اروپایی:

« می شیرازیم از دردسر کشت علاجش باده های پرتکال است

کشور پرتقال یا پرتکال، شراب معروف کشور پرتقال که نوعی می پخته و به « پرتو porto » معروف است» (لغت نامه، دهخدا: ذیل پرتقال)

شرعی آورده است :

رَهت به سوی صنم خانه کی دهد راهب ترا که نشئه صهبای پرتکالی نیست
(غزل ۱۵۸ ب ۴)

شاعر با « صهبا » چند ترکیب دیگر دارد: صهبای محبت (غزل ۳ ب ۳) ← اضافه تشبیهی / سَر
نشئه صهبا (غزل ۲۲ ب ۶) ← اضافه تخصیصی / صهبای هوس (غزل ۲۴ ب ۲) ← اضافه
تشبیهی.

ب - سطح ادبی:

اشاره شد که سبک هندی اساساً از علم بدیع گریزان است، اما در به کارگیری تشبیه آن هم به صورت تشبیه تمثیل به ویژه در تک بیتها شاخص بوده است، شرعی دارد:

با کلیم طور معنی جهل فرعونسی مَورز کز کتان هرگز نمیباشد زبان مهتاب را
(غزل ۲۹ ب ۴)
گر به روی کارت آب آمد، نشد قَدَرَت بلند میل باشد جانب پستی همیشه آب را
(غزل ۲۹ ب ۵)

تلمیح

شرعی در فرهنگ تلمیحات و اشارات ید طولایی دارد و این شگرد زبانی را برای مضمون سازی و آفریدن تصاویر زیبا برای جذب مخاطب به نحو احسن به کار گرفته است. مانند فرهاد و خسرو:

یک نشئه داد شاه و گدا را شراب عشق خسرو جدا فغان کند و کوهکن جدا
(غزل ۶۴ ب ۲)

نشئه : اینجا به معنای جرعه

شاه و گدا: تلمیحی ظریف به خسرو و فرهاد دارد و ظریفتر تضاد ولف و نشر نیز دارد.
نشئه، شراب، عشق نیز تناسب برقرار است.

تلمیح قرآنی:

شرعی! نبرد زاهد ما پی به حقیقت نبود ز معانی خبرش، جلد کتاب است
(غزل ۱۲۰ ب ۷)

مصرع دوم اشاره به آیه: كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا « جمعه ۶۳ / ۵ »

هاروت، سکندر، یوسف، نوح، شیخ صنعان، جمشید، منصور حلاج، ایوب، محمود و اباز و ... از جمله مضامین تلمیحی اشعار شرعی است.

- اغراق

تا از فراق آن شوخ آغاز گریه کردیم کشتی نوح غرق شد در آب دیده ما
(غزل ۲۱ ب ۳)

- **حُسن تعلیل، ایهام و تمثیل در یک بیت:**

ذهب از اوست زرد روی مُدام که به نزد گذشتگان خوار است
(بیت ۸۷ ب ۳)

بکار بردن ضمیر شخص « او » بجای ضمیر اشاره « آن »

حُسن تعلیل در مصراع اوّل

گذشتگان، ایهام به دو معنی دارد: آنانکه در گذشته و مرده اند و آنانکه در زمانهای قبل زندگی
میکرده‌اند.

- **مراعات نظیر**

درمها دارم از داغ تو در دل، جمع خوشحالم که پُر سیم از جبین زر کرده ام گنجینه خود را
(غزل ۴۱ ب ۶)

- **تشخیص**

ای ناله، همدمی ز تو بهتر ندیده ام شبهای هجر با تو بسر برده ایم ما
(غزل ۵۷ ب ۲)

تشبیه

از خرقه پشمینه مخور مگر که صوفی گرگیست فریبنده که در کسوت میش است
(غزل ۹۹ ب ۲)

اسلوب معادله

تیرگی را با ضمیر صبح خیزان کار نیست زاغ شب را میشود هر صبح بال و پر سفید
(غزل ۲۸۶ ب ۶)

- **نازک خیالی به سبک هندی:**

کشتی اهل هوس شکست یم عشق ماهی این بحر توآمان نهنگ است
(غزل ۱۴۱ ب ۳)

شکست: فعل دو وجهی (لازم و متعددی) اینجا متعددی آمده است.

- یم عشق ← اضافه تشبیهی، فاعل برای فعل شکست، کشتی مفعول

کشتی و بحر ← تضاد و تناسب

یم و بحر ← ایهام ترجمه یا مترادف

- کشتی، یم، ماهی، بحر، نهنگ ← مراعات نظیر

ماهی ونهنگ هم تضاد هم تناسب

ج - سطح فکری و محتوایی

از نظر محتوا غزلیات و دیگر اشعار شرعی علاوه بر داشتن مفاهیم رایج، موضوعاتی دارد که خاص زندگی و احوال این شاعر است، برخی از این خصوصیات به شرح زیر است:

۱- مسئله سفر به هند

عاقبت بخت سیه آوردم از ایران به هند آرزوی رجعتی دارم مگر بینم به خواب
(غزل ۷۷ ب ۵)

۲- ستایش هند

هوای کوی بتان گشت سازگار چنان که باز آب و هوای وطن نساخت مرا
(غزل ۶۳ ب ۴)

۳- اقامت در کشمیر

میبرد تا کشور کشمیر شرعی عاقبت شوق این سبزان گندم گونه گلگون مرا
(غزل ۶۳ ب ۵)

۴- دلگیری از هند و آرزوی وطن

تیره گردید از غبار هند چشم فطرتم سرمه ای از خاک پاک اصفهانم آرزوست
(غزل ۲۳۱ ب ۵)

۵- سفر به کعبه

برخیزم راه حق سپارم از هندی به کعبه روی آرم
(برگ ۹۹ نسخه خطی)

۶- عقیده و مذهب شرعی

شرعی یک مسلمان شیعه دوازده امامی است و خود را پیرو شرع مقدس و اعلم در این راه میداند.

شرعی نکنند راه غلط پیرو شرعست اعلم بود، انواع غلط کار عوامست
(غزل ۱۵۳ ب ۶)

- مضامین خاص در شعر شرعی

شرعی مضمونها و ترکیبهای متنوعی را در شعر خود به کار گرفته که نشان از همان مضمون یابی سبک هندی است، مانند: انگشت مکیدن کودک در نبود شیر مادر، خرمن پرورده برق، کلیم طور معنی، مشرق کاشانه، مشام سینه، محفل آتش دمان، بیت بلند ابرو، کفر سر زلف بتان، نشئه صهبای پرتقالی، ابروی نخ کمانت، نغمه قانون و وفا.

۷- ارادت و علاقه به امام علی (ع) و سایر ائمه (ع)

نکته سنجی شغل طبع نکته دان حیدر است روز و شب توحید حق، ورد زبان حیدر است
(غزل ۱۹۱ ب ۱)

۸- در وصف شهید کربلا

از واقعهٔ حسین چون یاد کنم سر تا به قدم دیده شوم، خون گریم
(برگ ۴۰۴ نسخه خطی)

۹- گرایش شرعی به تصوف

شرعی ضمن آن که حضرت علی (ع) را پیرو و مرشد خود میدانند، در عین حال دست ارادت به نظام الدین احمد بن محمد معصوم بن سید نظام الدین احمد ابن ابراهیم دشتکی شیرازی داده است. شرعی اهل سیر و سلوک هم بوده و ترقی و پیشرفت خود را مدیون پیرو استاد خود میدانند: کردم ای دوست مریدانه به استاد سلوک این کمال از نظر تربیت پیر مراست
(غزل ۱۲۲ ب ۶)

- مدح و ستایش شاه نعمت الله ولی

شرعی در غزل ۱۴۳ به تعریف و تمجید از شاه نعمت الله ولی میپردازد و مرقدش را دارالشفاء و درمانگر بیماران و نیازمندان می داند. بحر علم و کان عرفان نعمت الله ولیست کاشف آیات قرآن نعمت الله ولیست...

۱۰- عزت نفس و آزادگی شرعی

شرعی اهل مدح بازاری و درباری نیست، آنچه از مدح آورده ستایش اهل تقوا و صالحان وائمه اطهار (ع) است، او از مدح درباری پرهیز دارد: به مدح سفله نکوشم چو شاعران حریص برای جیفهٔ دنیا نیم ثناگر کس منم چو بلبل مدحت سرای شاه چراغ مدیح کس نسرایم، سوای شاه چراغ
(برگ ۳۲ نسخه خطی)

۱۱- سازگاری با ادیان غیر اسلام

شرعی طالب صلح کل است و در سرزمین ادیان هند با همه کنار آمده است: شرعیا شیخ و برهمن سوی خویش خوانند صلح کل کرده ام اکنون همه جا جای منست
(غزل ۱۳۱ ب ۵)

۱۲- تجرید و اظهار فقر معنوی

به کوی فقر و فنا هر طرف رواج منست که بی نیازی عالم ز احتیاج منست کلاه فقر و کهن پوست تختی، ای دل شکر که در قلمرو تجرید، تخت و تاج منست
(غزل ۱۸۹ ب ۱ و ۲)

۱۳- نوستالوژی به ایام کودکی:

خوش آن زمان که نبودیم آشنای غمی

مضمون ظریف یاد دوران کودکی در شعر شرعی بدیع مینماید.

۱۴- مخالفت با صوفی و زهد ریایی

کی اهل ریا را میر جمعیّت کیش است سامان ریا جبّه و عمامه و ریش است
از خرقه پشمینه مخور مکر که صوفی گرگیست فریبنده که در کسوت میش است
(غزل ۹۹ ابیات ۱ و ۲)

نتیجه‌گیری

شرعی شیرازی شاعری تمام و کامل است، تحصیلات رایج روزگار را پشت سر نهاده، اهل دیانت است و در سخنوری از شاعران هم عصر کم و کسری ندارد؛ اما معلوم نیست به چه دلیل نام و نشان و دیوان اشعار او با این عظمت کمی و کیفی در تذکره های عصر صفوی فوت شده است، به هر حال امروز دیوان شرعی به طور کامل در یک نسخه منقح در دست ماست^۱.

شرعی در سبک شعر همانند معاصران مضمون گراست، اما به صور خیال و آرایه های ادبی هم بی اعتنا نیست، سخنش سنجیده و از نمونه های عالی فارسی دری به سبک هندی است. استعمال فراوان تلمیحات، انواع ارسال مثل و تشبیهات تمثیلی، حس آمیزی و تشخیص و دیگر صنایع لفظی و معنوی در شعر او بسیار یافت میشود، استعمال کلمات عربی و استشهاد به آیات قرآنی و احادیث مأثوره، نازک خیالی و مضمون سازی و تضمین فراوان به اشعار حافظ و دیگر شاعران در شعر او بسیار است.

به لحاظ فکری و جهان بینی مروج و مبلغ آزادگی و عزت نفس و برای کرامت انسانی ارزش و احترام قابل است و در این راستا سخن و نعمت سخنوری و شاعری را به کار گرفته است. تعلیمات صوفیه در این مورد در او تاثیر گذار بوده است، بویژه زهد ورزی او باعث شده تا پایان عمر تجرد اختیار کند، شاعری با این ویژگیها آنهم در عصر صفویه نادر است.

فهرست منابع

- ۱- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، ج سوم، تهران، فردوس، ۱۳۶۶.
- ۲- دیوان اشعار، شیرازی حافظ، به تصحیح قزوینی، غنی، تهران، زوآر، بی تا.
- ۳- دیوان اشعار، کلیم همدانی، ابوطالب، به تصحیح محمد قهرمان، مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۹.

۱. تصحیح انتقادی کلیات اشعار شرعی شیرازی با مقدمه نگارنده و کوشش آقای ناصر فاضلی در سلسله انتشارات فرهنگ صبا در تهران در دست چاپ است.

- ۴- دیوان اشعار، قدسی مشهدی، حاجی محمد جان، به تصحیح محمد قهرمان، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵.
- ۵- دیوان اشعار، عرفی شیرازی، جمال الدین محمدریال به تصحیح پروفسور ولی الحق انصاری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۶- دیوان اشعار، شرعی شیرازی، نسخه خطی به شماره بازیابی ۷۰۰۹، مجلس شورای اسلامی بی تا.
- ۷- سبک‌شناسی شعر، شمیسا، سیروس، تهران، فردوس، ۱۳۷۴.
- ۸- فرهنگ اشارات و تلمیحات، شمیسا، سیروس، تهران، ج اول از ویرایش دوم، میترا، ۱۳۷۸.
- ۹- کاروان هند، گلچین معانی، احمد، مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۹.
- ۱۰- لغت نامه دهخدا، علی اکبر، به کوشش محمد معین، سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، بی تا.